

Analysis of Suspicions about the Stages of the Fetal Development based on Quranic Verses

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Hassan Khalili¹

Sadra Alipour²

Reza Mirzaei Malek

Sarai³

Yousef Moghaddasi⁴

How to cite this article

Sadra Alipour, Analysis of Suspicions about the Stages of the Fetal Development based on Quranic Verses, 2020: 5(1): 1-7

ABSTRACT

Throughout the centuries and eras, human beings have always sought to know the world around them and, consequently, to find the way to the depths of their existential nature. The Holy Quran has paid attention to this important matter as an eternal divine miracle and has been considered by scholars of different sciences as a reliable source. Despite all these advances in the experimental sciences, so far only parts of the miracles and scientific secrets of the Qur'an have been discovered for humanity. Despite the astonishment of experimental scientists in the deep scientific content of the Qur'an, throughout history, some people with specific goals have sought to cast doubt on the divine revelations. The focus of this article, which is based on content analysis method and using organized library studies, is to answer three of the doubts raised in the book "Critique of the Qur'an" about the stages of fetal development, using Qur'anic verses. One of the most important results of this article is that the suspicions created by Suha (the author of the book) have fundamental problems and the medical content in the Qur'an is consistent with the findings of modern sciences.

Keywords: Quran Criticism, Dr. Soha, Scientific Secrets, Fetal Development Stage

¹PhD student in Quran and Hadith, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran)

²Assistant Professor, Department of Islamic Education, Mako Branch, Islamic Azad University, Mako, Iran.

³ Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Farhangian University of West Azerbaijan

⁴ Department of Quran and Hadith Sciences, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

* Correspondence:

Address: Department of Islamic Education, Mako Branch, Islamic Azad University, Mako, Iran.

Tel:

Fax:

Email: Dr.sadralipour@gmail.com

Article History

Received: 2019/11/27

Accepted: 2020/05/07

ePublished: 2020/08/11

واکاوی و بررسی شبهات وارده بر مراحل رشد جنین بر مبنای آیات قرآنی

حسن خلیلی چلیبانلو

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی،

ارومیه، ایران

صدرا علی پور*

استادیار گروه معارف اسلامی، واحد ماکو، دانشگاه آزاد اسلامی، ماکو، ایران

رضا میرزایی ملکی سرای (استادیار گروه معارف اسلامی، واحد ارومیه،

دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران)

یوسف مقدسی

گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی

چکیده

در طول قرن‌ها و عصرها همواره بشر به دنبال شناخت جهان پیرامونی و به تبع آن به دنبال راه‌یابی به ژرفای ماهیت وجودی خود بوده است. قرآن مجید به عنوان معجزه جاوید الهی به این مهم توجه داشته و به عنوان یک منبع متقن، مورد توجه دانشمندان علوم مختلف قرار گرفته است. با وجود این همه پیشرفت در علوم تجربی، تاکنون فقط بخش‌هایی از معجزات و اسرار علمی قرآن برای بشریت کشف شده است. علی‌رغم شگفتی دانشمندان علوم تجربی از مطالب عمیق علمی در قرآن، در طول تاریخ عده‌ای با اهداف خاص به دنبال ایجاد شبهه در آیات الهی بوده‌اند. محور این نوشتار که با روش تحلیل محتوا و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای سامان یافته پاسخ به سه مورد از شبهات مطرح شده در کتاب «نقد قرآن» پیرامون مراحل رشد جنین، با استفاده از آیات قرآن می‌باشد. از مهم‌ترین نتایج این مقاله نیز می‌توان به این مطلب اشاره داشت که شبهات ایجاد شده توسط سها (نگارنده کتاب) اشکال مبنایی داشته و مطالب پزشکی موجود در قرآن با یافته‌های علوم جدید سازگاری دارد.

کلید واژه‌ها: نقد قرآن، دکتر سها، اسرار علمی، مراحل رشد جنین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۸

نویسنده مسئول: Dr.sadrilipour@gmail.com

مقدمه

تقابل حق و باطل قدمتی به درازای خلقت انسان دارد، رهبران و فرستادگان الهی همواره در این مسیر در مقابل جهل و نادانی مقاومت کرده‌اند. قرآن - آخرین کتاب معجزه الهی - بر تمام جهالت و عناد بشری خط بطلان کشیده و راه نوری در تاریکی کج‌فهمی جاهلان تاریخ باز کرده است. این کتاب الهی از آغاز نزول، بر دل انسان‌های با صفا نفوذ کرد و با حلاوت الهی و نور اعجاز توانست در اندک زمانی محبوبان بسیاری بیابد؛ اما این مسیر آن‌چنان سهل و راحت نبوده و از اولین روزها، مخالفت‌های جدی به همراه داشته است. سنگ‌اندازی در راه قرآن در طول چهارده قرن ادامه داشته و دارد چرا که این کتاب آسمانی و پیروان واقعی تربیت شده در این مکتب، همواره سد بزرگی در راه ظلم و بیداد ستم‌گران استعمارگر بوده و آن‌ها را در راه رسیدن به اهداف استکباری ناکام گذاشته‌اند.

در چند سال اخیر فردی با نام مستعار دکتر «سها» اقدام به انتشار کتاب «نقد قرآن» در اینترنت نموده و چنین وانمود کرده، به عنوان یک محقق و متخصص علوم اسلامی، قرآن را مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده است که قرآن کتاب معجزه الهی نبوده و ساخته و پرداخته پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. از انتشار

این کتاب مدت زمان زیادی نمی‌گذرد، ویرایش اول آن مربوط به سال ۱۳۹۱ شمسی بوده و ویرایش دوم آن در سال ۱۳۹۳ شمسی صورت گرفته است.^۱ به همین دلیل نقد و بررسی زیادی روی آن انجام نگرفته است، تاکنون چند جلد کتاب محدود در نقد آن به رشته تحریر درآمده است.^۲ بیش از بیست مقاله و سی پایان‌نامه هم با محوریت کتاب «نقد قرآن» به ثبت رسیده که برخی از آن‌ها به اتمام رسیده و برخی در حال تألیف است. در بین مقالات ثبت شده با محوریت شبهات سها بر آیات قرآنی، مقاله‌ای با موضوع «واکاوی و بررسی (شبهات) بر مبنای آیات قرآنی» کار نشده است.^۳ این امر نگارندگان را بر آن داشت که به نقد این دیدگاه بپردازند.

شبهات وارده بر مراحل رشد جنین

نویسنده کتاب «نقد قرآن» به شکل ریز وارد مباحث علم طب شده و آیات قرآن را با آخرین یافته‌های علوم تجربی مقایسه کرده است. قابل ذکر است، قرآن کتاب علمی صرف نیست، هدف نهایی قرآن هدایت انسان‌ها است و خداوند برای رسیدن به این هدف در برخی از آیات، عظمت جهان هستی و شگفتی قوانین حاکم بر آن را یادآور می‌شود، قوانینی که دانشمندان علوم مختلف بعد از چهارده قرن به بخش اندکی از آن دست یافته‌اند. سها، در موضوع طب در قرآن به چند مبحث توجه نموده و به زعم خود با مطالعاتی که انجام داده، غلط بودن دیدگاه علمی قرآن را به اثبات رسانده است. سه مورد از شبهات وی نقد می‌شود.

۱- شبهه خروج منی از بین ستون فقرات و دنده‌ها

سها، با ذکر آیه «خَلِقُ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ - يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» (طارق/ ۶ و ۷) (۱) (از آب جهنده‌ای خلق شده که از بین ستون فقرات و استخوان‌های سینه بیرون می‌آید)^۴ می‌نویسد: امروزه مشخص است که منی در بیضه‌ها ساخته می‌شود و در کیسه‌ی منی ذخیره می‌شود و از مجرای ادرار خارج می‌شود و محل ساخت و مسیر خروج آن هیچ ربطی به ستون فقرات و سینه ندارد. پس این گفته‌ی قرآن، غلطی فاحش است. او ادامه می‌دهد: این غلط، ریشه در خرافات باستانی دارد. مثلاً پزشک یونانی در ۲۵۰۰ سال قبل معتقد بود که منی از مغز سرچشمه می‌گیرد و سپس وارد نخاع موجود در ستون فقرات می‌شود و از آنجا به کلیه و بیضه و مجرای ادرار می‌رود، همچنین در تورات ۳۰۰۰ سال پیش در موارد متعدد به همین مطلب اشاره شده است. این غلط در بین اعراب نیز از قدیم و حتی امروز شایع است. در آخر مدعی می‌شود: محمد یک غلط عامیانه را به اسم خدا وارد قرآن کرده است. بیچاره‌ی خدایی که نمی‌داند منی در کجا ساخته و جریان می‌یابد. (۲)

۱. مبنای این مطالعه، ویرایش دوم کتاب «نقد قرآن» می‌باشد.

۲. برخی از کتب مذکور علی‌رغم اعلام، تاکنون منتشر نشده و آنتهای هم که در اینترنت و یا در بازار موجود است، نگاه محدود و محوری به موضوعات کتاب داشته‌اند.

۳. در موضوعات پزشکی با محوریت قرآن مقالات فراوانی کار شده است ولی با محوریت شبهات دکتر سها در کتاب «نقد قرآن» در موضوع «مراحل رشد جنین» مقاله‌ای ثبت نشده است.

۴. عین ترجمه دکتر سها در بالا آمده است. ترجمه صحیح آیه در تفسیر احسن الحدیث چنین است: آفریده شده از آبی جهنده - که از میان استخوانهای سخت و نرم خارج می‌شود.

پاسخ به: شبهه خروج منی از بین ستون فقرات و دنده‌ها

از منظر علم پزشکی، کیسه منی، محل ذخیره منی نیست؛ سها خیال کرده چون در بدن مرد قسمتی به نام کیسه منی وجود دارد، پس باید منی در آن ذخیره شود درحالی که منی در اپیدیدیم ذخیره می‌شود و کار کیسه منی زیاد کردن حجم ماده منی است. بهتر بود، صاحب شبهه قبل از نوشتن این مطالب علمی به کتب پزشکی مراجعه می‌کرد و یا با متخصصان آن رشته مشورت می‌کرد تا به چنین اشتباه فاحشی دچار نمی‌شد.

همچنین، معنای صلب و ترائب را اشتباه گرفته و به کتب تفسیری مراجعه دقیقی نداشته است، با بررسی تفاسیر قدیم و جدید، مشخص گردید نظریه قرآن در مورد صلب و ترائب با دیدگاه دانشمندان معاصر علم تجربی هم‌خوانی دارد. «صلب» در لغت به معنای هر چیز سخت و محکم و نفوذناپذیر است، در نهج البلاغه در صفت مؤمن آمده: «نفسه اصلب من الصلّد» نفس مؤمن از سنگ سخت‌تر است. (۳) و در اصطلاح به مهره‌های پشت و مجاری نطفه مرد گفته شده: «وَ حَلَالِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ» (نساء/۲۳). از اختلاف دیدگاه علماء، در مبحث «صلب» و «ترائب» چند نظر قابل احصاء است:

الف- صلب به معنای پشت مرد و ترائب به معنای سینه زن گرفته شده است به این معنی که دو آب برای تشکیل نطفه وجود دارد که یکی از صلب یعنی پشت مرد و دیگری از ترائب یعنی قسمت‌های سینه زن خارج می‌شود، در بین دانشمندان سلف، زمخشری، بیضاوی و ابن کثیر این نظر را داده‌اند. این قول را مفسرین متأخر رد کرده و نا صحیح دانسته‌اند. یکی از مفسرینی که به این موضوع به صورت علمی پردازش کرده است صاحب تفسیر المراغی است، به اعتقاد او این آیه اشاره به یک نکته دقیق علمی دارد که اخیراً از روی آن پرده برداشته و در عصر نزول قرآن مسلماً از همه پنهان بود و آن اینکه: نطفه از "بیضه" مرد و "تخمندان" زن گرفته می‌شود و مطالعات دانشمندان جنین‌شناسی نشان می‌دهد که این دو در ابتدای امر که در جنین ظاهر می‌شوند در مجاورت کلیه‌ها قرار دارد و تقریباً مقابل وسط ستون فقرات در میان صلب (پشت) و ترائب (پایین‌ترین دنده‌های انسان) قرار گرفته، سپس با گذشت زمان و نمو این دو عضو تدریجاً از آن محل پائین می‌آیند و هر کدام در موضع فعلی خود جای می‌گیرند و از آنجا که پیدایش انسان از ترکیب نطفه زن و مرد است و محل اصلی این دو در آغاز در میان "صلب" و "ترائب" قرار دارد، قرآن چنین تعبیری را انتخاب کرده، تعبیری که در آن روز برای هیچ‌کس شناخته شده نبود و علم جنین‌شناسی جدید پرده از روی آن برداشته است. (۴)

این دیدگاه با مخالفت گروه دیگری از دانشمندان و مفسرین اسلامی روبه‌رو است، صاحب قاموس قرآن، قول عطا، زمخشری و بیضاوی که صلب را از مرد و ترائب را از زن گرفته‌اند، به کلی باطل و بی‌اساس می‌داند چرا که در آیه شریفه نطفه زن مطرح نیست زیرا در آیه ماقبل می‌گوید: انسان از آب جهنده که از میان صلب و ترائب بیرون می‌آید آفریده شده است. به اعتقاد این مفسر، آب جهنده فقط از مرد است نه زن و مقاربت فقط سبب نزول نطفه مرد است و ربطی به نطفه زن ندارد وی معتقد است اینکه کسانی مثل ابن کثیر و غیره درباره ترائب زن صحبت و نقل

اقوال کرده‌اند از خود آیه غفلت نموده‌اند و گرنه از زن صحبتی به میان نمی‌آوردند. (۵) به کار بردن ترائب به معنای سینه یا استخوان سینه زن، از نگاه مفسرین و لغت‌شناسان، معتبر نیست، شاید این کاربرد در اشعار عرب به صورت استعاره به کار رفته است. آیه تصریح دارد اینکه ماء دافق، که مخصوص مرد است، از میان صلب و ترائب بیرون می‌آید، در نتیجه صلب و ترائب، هر دو مربوط به دستگاه نطفه ساز مرد است. (۶)

ب- صلب به معنای پشت مرد و ترائب به معنای سینه مرد گرفته شده است. علامه طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان و علامه طباطبائی در تفسیر المیزان با احتیاط از کنار این آیه گذشته و صرفاً به نقل قول گذشتگان پرداخته‌اند هر چند از مطالب آنها می‌توان چنین برداشت کرد که آنها ترائب را آبی دانسته‌اند که از قسمت پشت و سینه مرد خارج می‌شود، به اعتقاد صاحب مجمع، الترائب اطراف سینه است (۷) و در نظر صاحب المیزان، منظور از جمله «بَيْنَ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» این است که: منی از نقطه محصوره از بدن خارج می‌شود و آن نقطه بین استخوان‌های پشت و استخوان‌های سینه قرار دارد. (۸)

ج- برخی از قدما معنای مجازی از آیه استنباط کرده‌اند: عامل مؤثر در کشش فی‌مابین مرد و زن، قوه عضلی و عصبی است که در نخاع شوکی صلب مرد جریان دارد؛ و مهم‌ترین چیزی که در زن است حسن زینت به‌خصوص زینت بالای سینه می‌باشد. از این جهت از مرد به صلب و از زن به ترائب، تعبیر شده است و این از محاسن بلاغت و مجاز مرسل است که جزء مورد اهمیت بر کل اطلاق می‌شود (۹) اما اکثر مفسرین با این دیدگاه مخالف بوده و با مقایسه آیات قبل و بعد، این نظریه را مخالف سیاق دانسته که قرینه‌ی مجازی ندارد.

د- یکی از بهترین معانی که با علوم امروز هم سازگاری دارد از محدث قرن اول اسلام ضحاک بن مزاحم متوفای ۱۰۵ هجری است، صاحب تفسیر القرآن العظیم معنای ترائب را از ایشان چنین نقل می‌کند: الترائب بین التددین و الرجلین و العینین، معنی ترائب می‌شود: بین دو سینه، دو پا و دو چشم (۱۰) تعداد دیگری از محققان و دانشمندان اسلامی این معنی را برگزیده‌اند. (۱۱) مجرای منی از بیضه امتداد یافته و از راه مجرای معینی که در امتداد کشاله ران است به طرف داخل شکم می‌رود و به طرف مثانه که در پشت استخوان عانه است برمی‌گردد و در زیر مثانه از میان پروستات رد شده وارد مجرای ادرار می‌شود. قسمتی از این مجرا که داخل شکم است اطرافش حلقه استخوانی است که در جلو استخوان عانه و در طرفین و عقب استخوان خاصره و در پشت ستون مهره و استخوان خارجی می‌باشد. (۱۲) صاحب قاموس قرآن نیز این نظریه را تأیید می‌کند، اینکه مقصود از صلب قسمت آخر ستون مهره و از ترائب استخوان‌های دیگر است که منی از میان آنها گذشته وارد مجرای ادرار می‌شود. (۱۳)

با این توصیف معنی آیات ۶ تا ۷ سوره طارق این‌گونه می‌شود: «پس انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است! از آبی جهنده آفریده شده است، آبی که از میان پشت و دو استخوان پای مرد بیرون می‌آید» بیان ترائب از جانب خداوند به خاطر رعایت ادب به جای آلت تناسلی، بین دو استخوان پا اشاره کرده است. (۱۴) برخلاف معنا و برداشتی که دکتر سها به این آیات نسبت داده است.

نکته جالب اینکه دکتر سها در مطالعات خود دقت کافی نداشته و مانند همه شبهات خود در بیان مسأله هم راه خطا رفته است او می‌نویسد: «امروزه مشخص است که منی در بیضه‌ها ساخته

۱. زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۳۵

۲. بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۰۳

۳. ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۳۶۸

زن گرفته‌اند، در لسان العرب آمده است: قال الفراء: (الأَمْشَاجُ هي الأَخْلَاطُ: ماءُ الرجل و ماء المرأة) یعنی امشاج به معنای اختلاط آب مرد و زن است (۱۸) (و قوله من نطفة أمشاج لأن ماء الرجل يختلط بماء المرأة) که باز به ترکیب و مخلوط آب مرد با آب زن اشاره دارد. (۱۹) و در تفسیرالقمی، روایتی از امام ابی جعفر (ع) می‌خوانیم: (و فی روایة أبی الجارود عن أبی جعفر فی قوله: أمشاج نبیله قال ماء الرجل و ماء المرأة اختلط جميعا) که فرمود آب مرد و آب زن با هم مخلوط می‌شود. (۲۰) کلمه «امشاج» جمع کلمه «مشیح» و یا «مشح» به دو فتحه، و یا «مشح» به فتحه اول و کسره دوم است، و این سه کلمه به معنای مخلوط و ممتزج است، و اگر نطفه با این صفت معرفی شده «نطفة أمشاج» یا به اعتبار اجزای مختلف آن است و یا به اعتبار مخلوط شدن آب نر با آب ماده است. (۸) مسأله آفرینش انسان از «نطفه مخلوط» امکان دارد به اختلاط نطفه مرد و زن و ترکیب «اسپر» و «اوول» می‌کند و روایات اهل بیت علیهم السلام نیز اجمالاً آن را تأیید می‌کند. (۱۶)

جای تعجب است که سها ادعا می‌کند که در هیچ جای قرآن به نقش زن در نطفه اشاره‌ای نشده است. (۱۵) چرا که این دیدگاه از زمان نزول قرآن بوده و صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جمله ابن عباس و تابعین مانند حسن و عکرمه و مجاهد بر آن اشاره داشته‌اند، به این شکل که فرزندان آدم علیه السلام از آب مرد و زن به وجود آمده‌اند، یعنی آب مرد و آب زن در رحم مخلوط می‌شود، در این صورت هر کدام از این دو آب بر دیگری غالب شود بچه شبیه به او می‌شود. اگر آب مرد زیادتر بود فرزند شبیه به پدر و یا عصبه پدری عمو و عمه شود و اگر آب زن فزونی کند فرزند شبیه به مادر و عصبه مادری، دایی و خاله شود. (۷)

آیه دوم سوره انسان به کیفیت خلقت و آفرینش انسان اشاره می‌کند، که پس از مخلوط شدن با ماده دیگر اوول که از رحم مادر با ماده تناسلی اسپرماتوزوئید می‌آمیزد و بر اثر تغییراتی که صورت می‌گیرد نیروی نطق و ادراک به‌عنوان موهبت الهی است به او عطا می‌شود در اثر تعلق و اتحاد با نیروی نباتی و رشد جنین آن را به حرکت در می‌آورد تا آنجا که دارای نیروی شنوایی و بینایی گردد و به اوج فضیلت برسد و به‌عنوان محصول نظام هستی بدرخشد و به او نیروی شنوایی و بینایی حسی و هم‌چنین نیروی شنوایی و بینایی باطنی و امور معنوی موهبت می‌شود «فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» تا از این طریق و با مشاهده موجودات به اسرار و حقایقی دست یابد. (۲۱) با مشاهده عمق این آیات شگفت‌انگیز و با دیدن معجزات الهی و اینکه در چهارده قرن قبل در زمانی که جهان علم در تاریکی مطلق فرو رفته بود، این مطالب ژرف علمی در قرآن مطرح می‌شود، سطحی بودن شبهات دکتر سها را عیان‌تر می‌کند.

دومین آیه: که به نقش زن در تشکیل نطفه اشاره دارد آیه ۲۲۳ سوره بقره است که می‌فرماید: «بِنَسَاؤِكُمْ حَرَّتْ لَكُمْ فَاتُوا حَرَّتَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ وَ قَدِمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشَرِ الْمُؤْمِنِينَ» زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند، پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید. و (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده. (۱۶)

حرث در کتب لغت به معنای کشتزار است (۲۲) و از زن به‌عنوان مزرعه مرد یاد شده است. (صاحب، ۱۴۱۴ هـ ق: ج ۳، ص

می‌شود و در کیسه‌ی منی ذخیره می‌شود ... پس این گفته‌ی قرآن، غلطی فاحش است» (۱۵) با اندکی توجه مشخص می‌شود اصلاً آیه به محل ساخت منی اشاره ندارد بلکه به محل خروج آن اشاره دارد، باید به این نکته مهم برای حل مشکل توجه داشت که در این آیات از سوره طارق تنها سخن از نطفه مرد در میان است، چرا که «ماء دافق» به نطفه مرد صدق می‌کند نه زن، و ضمیر «یخرج» در آیه «خَرُجْ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» (طارق/۷) به آن باز می‌گردد، و می‌گوید: این آب جهنده از میان صلب و ترائب بیرون می‌آید. (۱۶)

ماء دافق از میان صلب و ترائب یعنی استخوان پاهای مرد خارج می‌شود. از نظر کالبدشکافی، تمام نقاط و مجاری عبور منی در محدوده صلب و ترائب قرار دارد. غدد کیسه‌ای پشت پروستات - که ترشحات آن قسمتی از منی را تشکیل می‌دهد - نیز در محدوده صلب و ترائب قرار گرفته‌اند. ترشحات این غدد به رنگ زرد بوده و از نظر فرکتوز بسیار غنی است همچنین این غدد در عمل جهشی منی به خارج و به صورت دفعات بر اثر انقباض عضلات آنها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. (۱۷) با دقت در این آیات که به شکل اعجاز آمیز و در عصری که از علم کالبدشکافی خبری نبود به موضوع صلب و ترائب پرداخته است، ضعف شبهه سها معلوم می‌شود. ممکن است حقایق مهم‌تر دیگری در این آیات نیز نهفته باشد که برای بشر امروز مکشوف نبوده و اکتشافات آیندگان پرده از آن بر خواهد داشت.

۲- شبهه آفرینش انسان از منی مرد بدون توجه به نقش زن

سها با ایراد شبهه دیگری بر آیات سوره طارق، می‌نویسد: انسان از منی مرد ساخته می‌شود، چون گفته شده که انسان از آب جهنده ساخته می‌شود: «خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ» (طارق/۶) آب جهنده فقط در مورد منی در مرد صادق است. چون زن اصولاً فاقد منی است و تنها ترشحاتی در دیواره‌ی مجرای تناسلی و رحم دارد که انتقال اسپرم را تسهیل می‌کند؛ و تخمک زن هم با پاره شدن جدار تخمدان آزاد می‌شود و آب جهنده نیست. از طرف دیگر اگر می‌خواست بگوید که انسان از منی مرد و زن ساخته می‌شود باید آب جهنده را به‌صورت تثنیه بکار می‌برد نه مفرد. بعلاوه در هیچ جای قرآن به نقش زن در نطفه اشاره‌ای نشده است. این هم یک باور غلط قدیمی بود که بچه را صرفاً حاصل منی مرد می‌دانستند و حتی تا همین اخیر نیز در جوامع رایج بود. دکتر سها نتیجه می‌گیرد: که محمد این غلط رایج را وارد قرآن کرده و به خدا نسبت داده است. (۱۵)

پاسخ به؛ شبهه آفرینش انسان از منی مرد بدون توجه به نقش زن در تعبیر خلقت انسان از منی، به بخشی از علت وجود آورنده اشاره شده است نه به علت تامه، در محاورات عمومی هم گاه به بخشی از علت اشاره شده و منظور تمام علت است و یا برعکس آن نیز صادق است، یعنی به کل اشاره می‌شود و منظور جزئی از آن کل است، این امر در ادبیات عرب و حتی زبان فارسی امری رایج است. در آیات دیگر قرآن به نقش زن در تشکیل نطفه اشاره شده است و اینکه دکتر سها بیان می‌کند که در قرآن به نقش زن در تشکیل نطفه اشاره نشده نشان از ناآگاهی ایشان دارد. دو آیه که به نقش مستقیم زن در تشکیل نطفه اشاره نموده به‌اختصار توضیح داده می‌شود.

اولین آیه: خداوند در سوره انسان می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان/۲) تفاسیر معتبر شیعه و سنی و کتب لغت، امشاج را به معنی اختلاط آب مرد و

لَمْ يَكْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيِّ نَيْبِي * (۳۷) ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (۳۸) فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (قیامت/۳۷-۳۹)

وی پس از ذکر آیات و آوردن معنی دلخواه، حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را از صحیح مسلم می‌آورد که حضرت می‌فرماید: نطفه در رحم به مدت ۴۰ شب قرار می‌گیرد سپس فرشته‌ای را به سوی آن می‌فرستد. فرشته می‌پرسد ای خدا مرد باشد یا زن؟ سپس خدا او را مرد یا زن قرار می‌دهد. به اعتقاد دکتر سها مطرح کردن این مسئله که نر و ماده بودن جنین پس از مرحله‌ی علقه معین می‌شود غلطی فاحش است چرا که جنسیت جنین به محض تشکیل سلول تخم ترکیب اسپرم و تخمک در چند ساعت اولیه‌ی پس از آمیزش جنسی مشخص است. (۱۵)

رد شبهه دکتر سها در مورد زمان تعیین جنسیت جنین:

لفظ علق در شش جای قرآن تکرار شده است: (علق/۲)، (حج/۵)، دو مورد در (مؤمنون/۱۴)، (غافر/۶۷) و (قیامت/۳۸) می‌باشد، مورد شبهه دکتر سها آیه ۳۸ سوره قیامت می‌باشد: «ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى» (قیامت/۳۸) دکتر سها با استفاده از یک حدیثی که مورد نقد جدی محدثین شیعه و سنی است، آیه قرآن که به مسئله علمی دقیق و عمیقی اشاره کرده است را به کلی زیر سؤال می‌برد. نویسنده‌ی کتاب «نقد قرآن» از روایات اسلامی استفاده ابزاری کرده است، او در اکثر موارد روایات اسلامی را زیر سؤال برده است، اما در جایی که لازم باشد برای پیشبرد اهداف خود و حصول نتیجه در شبهات از همین روایات ضعیف استفاده ابزاری کرده است، این نیز یکی از دهها تناقض موجود در کتاب «نقد قرآن» است.

قبل از نقد دیدگاه سها با استناد به آیات قرآن، با حدیث صحیحی به این شبهه پاسخ داده می‌شود، امام صادق علیه‌السلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در منی خطبه خواند و فرمود: آیا مردم، هر چه از قول من به شما رسید و موافق قرآن است من گفته‌ام و آنچه به شما برسد و مخالف قرآن باشد من نگفته‌ام. (۲۵) طبق این حدیث صحیح و دهها حدیث مشابه آن، از آنجائی که روایت نقل شده توسط دکتر سها در تعارض با نص صریح قرآن است اعتباری ندارد.

اما نگاهی به معنای لغوی کلمه «جعل» ما را در پاسخگویی به این شبهه کمک خواهد کرد، برخی از مفسرین تعبیر جالبی از لفظ «جعل» در این آیه به کار برده‌اند، اینکه در مورد علت به کار رفتن کلمه "خلق" درباره آفرینش زمین و آسمان و استفاده از کلمه «جعل» در مورد نور و ظلمت، چیزی که نزدیک‌تر به ذهن می‌رسد این است که خلقت درباره اصل وجود چیزی است و جعل درباره خواص و آثار و کیفیاتی است که به دنبال آنها وجود پیدا می‌کند و از آنجا که نور و ظلمت جنبه تبعی دارد از آن تعبیر به جعل شده است. (۱۶) با این توضیح مشخص می‌شود که منظور آیه تعیین جنسیت در مرحله‌ی علقه نیست بلکه اشاره به ظاهر شدن آثار و علائم جنسی است که در این مرحله پدیدار می‌شود.

مطلب دیگر برداشت غلط این نویسنده از مفهوم آیه است، این آیه اهداف بلندی را دنبال می‌کند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف- هدایت انسان: قرآن به دنبال هدایت و تربیت انسان است، برخلاف القاء دکتر سها و همفکران وی به دنبال رد یا اثبات فرضیات علمی نمی‌باشد، بلکه می‌خواهد با ذکر این مطالب علمی به هدف نهایی خود که همانا تربیت و هدایت انسان است برسد.

زن مزرعه همسرش است و این تشبیه است اینکه زن محل کشت فرزندان است جایی که خدا می‌فرماید: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ» (۲۳) لسان العرب نیز همین معنی را اختیار کرده است (۱۸) این آیه بر سبیل تشبیهی است که درباره همسران و زنان که بقاء نوع انسان به آنها بستگی دارد به زراعت که بقاء طبیعت مادی انسان را تأمین می‌کند به کار رفته است. (۲۴) چنان‌که در این تمثیل زیبا ملاحظه می‌شود کشتزار صرفاً محل پاشیده شدن بذر نیست بلکه در رشد و ادامه مراحل بالندگی بذر نیز کاملاً مؤثر است، نقش زن نیز چنین است، به همین دلیل اسلام برای ساختن جامعه‌ای پاک سفارش‌هایی قبل، حین و پس از مقاربت دارد که بهتر است زن و مرد رعایت کنند اما توصیه‌های اسلام به زنان بسیار بیشتر از مردان است و این نشان از نقش اساسی زن بر روی فرزند در تمام مراحل دارد. در این آیه «نساء» اسم جنس است و مراد آیه شریفه از این کلمه همسران می‌باشد. زنان در اجتماع همچون کشتزار هستند و ابزاری برای افزایش و بقاء نسل می‌باشند، مردم هر اندازه در موقع کشت دقت کنند و به دستورات اسلام عمل نمایند محصولی که برداشت می‌کنند بهتر خواهد بود.

پدر و مادر هر دو در ایجاد سلول تخم مؤثرند، اما نقش و تأثیر زن بیشتر است چون پس از عمل مقاربت و تشکیل نطفه، نقش مرد تمام می‌شود و این مادر است که در رشد و نمو کودک نقش اساسی ایفا می‌کند. بنابراین وظیفه و نقش مادر در پروراندن جنین بسیار مهم‌تر از پدر است. از آنجائی که سلول تخم تمام خصوصیات روحی و اخلاقی پدر و مادر را به فرزند به ارث می‌دهد در دین اسلام به پاکی و سلامت جسمی و اخلاقی هردوی پدر و مادر تأکید شده است. (۲۱) بنابراین آیه به صراحت به نقش بی‌بدیل زن در ایجاد و تشکیل نطفه بجه تأکید کرده است.

برخی از دانشمندان اسلامی به ابعاد و جزئیات هم اشاره کرده‌اند، نطفه زن در حدود پنج روز پس از قاعدگی از تخمدان جدا شده و وارد لوله زهدان می‌گردد و در حدود پنج و شش روز در آنجا زنده می‌ماند اگر در عرض این مدت مقاربت اتفاق افتاد یکی از سلول‌های نطفه مرد (اسپرماتوزئید) وارد نطفه زن (اوول) می‌گردد و رشد آن شروع می‌شود. (۵)

علاوه بر ایجاد شبهه در مورد نقش زنان در شکل‌گیری نطفه، عده‌ای از منتقدین به استفاده از لفظ «حرت» یعنی مزرعه در مورد زنان هم اشکال می‌گیرند که چرا زنان به مزرعه تشبیه شده‌اند، این نوعی تحقیر زن در اسلام است. باید گفت این تحقیر نیست بلکه نکته باریکی در این تشبیه نهفته است، قرآن می‌خواهد به نقش زن در تکثیر نسل و حفظ حیات نوع بشر اشاره کند. (۱۶) این آیه نه تنها به زن توهین نمی‌کند بلکه به اهمیت و جایگاه رفیع آن تأکید دارد، و تذکر و هشدار است برای افرادی همچون دکتر سها است که به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوس‌بازی می‌نگرند. زن وسیله اطفاء شهوت و هوسرانی مردان نیست، بلکه یک موجودی مستقل در کنار مردان است و با قرار گرفتن این دو نوع یعنی مرد و زن در کنار هم زندگی معنی پیدا می‌کند و در تکثیر نسل بشر و ادامه زنجیره زندگی هیچ‌کدام بر دیگری برتری ندارند.

۳- شبهه دکتر سها در مورد زمان تعیین جنسیت جنین:

یکی دیگر از موضوعات قرآنی که سها بر آن شبهه وارد کرده است، کم و کیف تعیین جنسیت انسان از حیث مذکر و مؤنث بودن است که در آیاتی از سوره قیامت به آن اشاره شده است: «أ

کرده است. خداوند می‌توانست از الفاظ دیگری برای تعبیر «خون بسته» استفاده کند اما از لفظ «علقه» استفاده کرد تا هم معنای خون بسته از آن مستفاد شود و هم به موضوع عمیق علمی دیگری اشاره کند و آن اینکه آویزان بودن این خون بسته را برساند اما چون در آن زمان خبری از علم جنین‌شناسی نبود این نوعی رازگویی قرآن است که بشر را به اسرار خلقت خویش آگاه می‌کند (۲۷) و این نیز یکی دیگر از وجوه اعجاز قرآن است.

نتیجه‌گیری

طرح مطالب علمی با این دقت و ژرفا در چهارده قرن قبل در زمانی که هیچ اطلاعی از علوم جدید نبوده و بشریت در ظلمت جهالت فرو رفته بود نشان از اعجاز قرآن و اسرار شگفت‌انگیز علمی در این کتاب آسمانی دارد. در مورد شبهات سها بر آیاتی از قرآن که به مطالب پزشکی اشاره شده است، باید گفت مطالب قرآن در مورد مراحل رشد جنین از قبیل: اشاره به محل خروج منی، نقش مشترک مرد و زن در شکل‌گیری نطفه و زمان تعیین جنسیت جنین، با مطالب علمی منطبق بوده و شبهات این نویسنده صرفاً از روی عناد و مخالفتی است که با قرآن، شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و تمام ادیان الهی دارد. این شبهات صرفاً به دلیل اختلاف مبنایی سها به‌عنوان فردی مادی‌گرا و مخالف دین و منکر خدا با اسلام و قرآن و مکتب توحیدی است و گرنه هیچ‌یک از شبهات، پایه علمی موثقی ندارد.

References

1. Quran TH.
2. Abdul Mohammadi.K. Investigating and comparing the relationship between communication beliefs and marital conflicts in men and women who go to court. Master Thesis, Shahid Beheshti University, 1385,1(1),126-129
3. Nahj al-Balaghah. Dashti translation , Momenin,2000,25-28
4. Maraghi AIM. Tafsir Al-Maraghi. Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi, Beirut, Bita.,p:113
5. Ghorashi SAA. Quran Dictionary, Islamic Library, Tehran, 1992,6-8
6. Taleghani SM. A Ray of the Quran. Anteshar Co, Tehran, Jaharam Press1983., 89-100
7. Tabarsi FIH. Majma 'al-Bayyan fi Uloom al-Quran. Nasser Khosrow Publications, 1993,3(1),51-55
8. Tabatabai SMH. Translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani. 1409,p:52
9. Tantawi SM. Al-Tafsir Al-Wasit for the Holy Quran. 15th century.
10. Ibn Kathir Damascus, Ismail Ibn Amr. Tafsir Al-Quran Al-Azim. Dar Al-Kitab

(۲۶) خداوند به دنبال اعلان این مطلب است که بفرماید انسان را از منی نیافرید و او را از حالی به حال دیگر منتقل نکرد که او را مهمل بگذارد. بلکه به‌طور قطع باری تعالی به دنبال هدف و غرضی بوده و آن رسیدن به ثواب است به جهت عمل به تکلیف و اطاعت از فرمان باری تعالی (۷) این که آیات قرآن به سیر نطفه در شکم مادر اشاره می‌کند و بعد از آن مراحل دیگر از جمله تعیین جنسیت نطفه را یادآوری می‌کند، منظور این است که انسان در این سیر مراحل دقت کند و بفهمد که برای هدف خاصی آفریده شده و خلقت او عبث و بیهوده نیست و خداوند از آفرینش او هدف بزرگی را دنبال می‌کند، در این میان تعیین جنسیت نطفه و اینکه تعدادی دختر و تعدادی پسر می‌شوند و سیر این مراحل از اسرار عجیب خلقت است (۱۳). دقت در این مراحل و کیفیت خلقت انسان و تعیین جنسیت او و تدبیر در این شگفتی‌ها، انسان را متوجه اهداف بالای خلقت می‌نماید. و باز تأکید می‌شود قرآن به دنبال فرضیه‌های علمی نبوده بلکه به دنبال اهداف هدایتی خود می‌باشد هر چند برای رسیدن به این اهداف از برخی وسیله‌ها مانند ذکر اسرار و شگفتی‌های علمی استفاده کرده باشد.

ب- اشاره به معاد: این آیه دلیل اقماعی برای اثبات معاد است، منکران معاد همواره امکان خلق مجدد و یا احیاء مردگان را انکار کرده‌اند و معاد جسمانی را غیر ممکن تلقی کرده‌اند، به اعتقاد آنها انسان پس از مرگ و تبدیل شدن دوباره به خاک، محال است دوباره بازسازی شده و بار دیگر حیات یابد، قرآن در آیات متعدد این موضوع را یادآوری می‌کند و در این آیه هم از استدلال دیگری استفاده می‌کند و انسان را به خلقت اولیه خود متوجه می‌سازد، اینکه خداوند با چه کیفیتی او را از سلول‌های بسیار ریز به وجود آورد و با چه شگفتی او را تبدیل به جنین کرد، چه شکلی به او صورت داد و با دمیدن روح به او زندگی دیگر بخشید و خلاصه اینکه تطورات عجیب خلقتش را به او یادآوری می‌کند تا خالق و قادر بودن خود را به رخ انسان بکشد و بگوید ما که این جنین پیچیده تو را خلق کردیم قادریم دوباره تو را به همان صورت احیاء کنیم. به عبارت دیگر بهترین دلیل برای امکان یک شیء و وقوع آن است (۱۶) خداوندی که با این همه پیچیدگی انسان را خلق کرد به‌یقین بازخلق او برای خداوند بسیار راحت‌تر از مرحله‌ی اول خواهد بود.

ج- تنوع و تعادل جنسیتی: یکی دیگر از اهدافی که از این آیه مستفاد است اشاره به حکمت الهی در رعایت تعادل بین جنس زن و مرد است، وقتی خداوند می‌فرماید: فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى (قیامت/۳۹) به دو موضوع اشاره می‌کند: اول اینکه به تقسیم انسان‌ها به دو جنس در دوران جنین و تنوع مرموز آنها اشاره می‌کند و دیگر اینکه به تعادل نسبی انسان‌ها اشاره دارد. هر دوی این‌ها از شگفتی‌های تنظیم جمعیت و حفظ تعادل جنسیتی است هر چند گفته می‌شود تعداد جمعیت زنان بیشتر از جمعیت مردان است اما اختلاف آمار آن چنان نیست که تعادل را به هم بزند احتمال دارد جمعیت زنان چند درصدی از مردان بیشتر باشد اما چنین نیست که مثلاً زنان چندین برابر مردان جمعیت داشته باشند این اتفاق در طول تاریخ و در هیچ جامعه‌ای رخ نداده است (۱۶). این هم از اشارات لطیف است که می‌تواند یکی از اهداف خداوند از ذکر این آیات باشد اما هدف تام آیه نخواهد بود.

د. رازگویی قرآن: اسرار و شگفتی‌های قرآن آن چنان زیاد و عجیب است که بشر توانایی فهم همه آن را نخواهد داشت این آیه نیز به‌نوعی رازگویی کرده و بر اعجاز قرآن تأکید مؤکد

18. Alavi Sarshaki, Reza SM. Critique of the book Critique of the Quran, . published on the Internet, 2016, 5(1),28-29
19. Qomi AII. Tafsir Qomi, research: Seyyed Tayeb Mousavi Jazayeri. Qom, Dar alKitab, 1988, 14(1),34-39
20. Hosseini Hamedani, Seyed Mohammad Hossein, Anvar Derakhshan. Lotfi Bookstore, 1404, 9(5),62-66
21. Sahib III. , The Environment in Language. Beirut,1414,259-270
22. Ibn Faris AIF. Dictionary of Comparative Languages. Islamic Media School, Qom, first edition. 1404.,33-36
23. Ragheb Al-Isfahani, Abi Al-Qasim Al-Hussein Ibn Muhammad. Al-Mufradat Fi Gharib Al-Quran, . Arayeh Cultural Institute. 2008.,260-275
24. Klini MIY. Usul Kafi, Description: Mohammad Baqir Kamraei, . Aswa Publications, Tehran. 2007;: 9-12
25. Sobhani Jf. Theology, World Center for Islamic Studies,Qom, 1342, 1(4) ,p:25
26. Rezaei Esfahani MA. Research in the Scientific Miracle of the Quran. Mobin Book, Rasht, 2002,25-29
- Al-Almiyeh, Beirut, first edition. 1419., 180-185
11. Askari, Hassan bin Abdullah. Al-Farooq in the language. Dar Al-Afaq Al-Jadeedah. 1400, 1(2),65-66
12. Tabatabai SMH. Al-Mizan the Interpretation of the Qur'an, Islamic Publications Office of the Society of Teachers of the Seminary of Qom, 1417, 3(1),18-54
13. Ghorashi Bonabi AA. Tafsir Ahsanat al-Hadith. Navid Islam Publishing,2016, 2(5),27
14. Heidari Nasab, Baqer M. , Defending the Quran in Rejecting the Book of Quran Criticism,. Angels of Tomorrow, 2016, 1(2),12-16
15. Saha. Critique of the Quran,. published on Internet sites2014.,16-21
16. Makarem Shirazi N. Sample Interpretation. Islamic Library, Tehran. 1995, 1(2),20-22
17. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram. Language of the Arabs, Beirut, Dar Sader, third edition. 1414, 3(1),11-12